نقد

وقتی BBC فارسی «رونالدو» را در تهران می‌بیند «نیکی میناژ» را در لندن نه!

رسانه BBC فارسی در شرایطی، استقبال از رونالدو در تهران را به فقر فرهنگی نسبت می‌دهد که همین اتفاق سال گذشته برای یکی از خواننده‌های کشور انگلیس در قلب لندن رخ داد. به گزارش فارس، حضور کریستیانو رونالدو در ایران بازتاب زیادی در رسانه‌های داخلی و خارجی داشته است و در این باره رسانه‌های عربستانی، استقبال از این ستاره دنیای فوتبال را تاریخی عنوان کردند و به تمجید از کشورمان پرداختند. در این میان برخی افراد و رسانه‌ها که شاید آمدن رونالدو به ایران و تهران به مذاق‌شان خوش نیامده بود، سعی در به حاشیه بردن این اتفاق مهم ورزشی در کشورمان داشتند. نمونه این اتفاق در خروجی برخی رسانه‌های به اصطلاح مستقل از قبیل BBC فارسی هم دیده شد. این رسانه‌ها از مردمی که به دنبال اتوبوسی که رونالدو در آن حضور داشت، می‌دویدند یا با حضور روی تپه‌های اطراف هتل محل اقامت ستاره پرتغالی، تلاش به دیدن رونالدو می‌کردند، انتقاد کردند و با ترفندهای رسانه‌ای خود حرف خود را از زبان دیگران؛ «برخی» زدند تا به نوعی ابراز تاسف کنند برای فقر فرهنگی جامعه ایران! نکته جالب ماجرا اینجا است که یک سال قبل در ۱۴ جولای سال ۲۰۲۲، شبیه همین اتفاق در قلب لندن جایی که رسانه BBC فارسی در آنجا مستقر است، رخ داد. آنجا که «نیکی میناژ» یکی از خواننده‌های مطرح که بیش از ۲۰۰ میلیون فالوئر در شبکه اینستاگرام دارد، پس از لغو نشست خبری‌اش به دلیل ازدحام و هجوم شدید افراد، بسیاری را جیغ‌کشان پشت خودروی خود دید. در همین باره رسانه CBS در آن زمان نوشت: بسیاری از هواداران نیکی میناژ پس از اینکه موفق نشدند این سلبریتی را ببینند، جیغ‌کشان در خیابان به دنبال اتومبیل این سلبریتی دویدند؛ ماجرایی که مورد روایت BBC فارسی قرار نگرفت و به نوعی این رسانه ترجیح می‌دهد این اتفاقات را در قلب لندن نادیده بگیرد و فقط نشان دهد این مسائل به دلیل بسته بودن درها و فقر فرهنگی در کشورهایی مثل ایران رخ می‌دهد. باید پذیرفت مقوله علاقه به سلبریتی و سلبریتی‌محوری، در همه جای دنیا موضوعی رایج است که البته نباید آن را به کل جامعه تعمیم داد.

یادداشت

چند نکته درباره دیدار پرسپولیس -النصر

عبدالله دارابی: ۱- حضور رونالدو و شوق دیدن ستاره پرتغالی اخبار کشور را تحت‌الشعاع قرار داده بود تا جایی که پرسپولیس ازسوی مدیران و هوادارانش نیز به محاق رفته بود. مدیرعامل پرسپولیس هم شوق زیادی برای عکس گرفتن خانوادگی با رونالدو داشت تا جایی که برای فرار از پاسخگویی به افکار عمومی، بهانه‌ای عجیب برای حضور دخترش در این قاب عکس تراشید، در حالی که اولا باشگاه پرسپولیس مترجم دارد و ثانیا در عکس مذکور، نماینده فدراسیون که قبلا در این باشگاه سمت داشته و مسلط به زبان خارجی است نیز حاضر است. عجیب اینکه حضور دختر درویش ابتدا از سوی باشگاه پرسپولیس تکذیب شد ولی با افشای آن توسط یک خبرگزاری، مدیرعامل قرمزپوشان ناچار از تایید آن، به چنین مستمسکی (مترجم) روی آورد و شرم‌آور اینکه وی مساله فلسطین را نیز دخیل در این توجیه خود برای فرار از انتقادات افکار عمومی کرد، گویا در بین مترجمان ایرانی فقط دختر مدیرعامل پرسپولیس قائل به مساله فلسطین است ولاغیر!

۲- مضاف بر مورد قبل، در دیدار هنرمند معلول با رونالدو نیز مدیرعامل پرسپولیس نتوانست اشتیاق دوباره عکس گرفتن با ستاره پرتغالی را نادیده بگیرد، حتی در قالب حمل‌کننده ویلچر این خانم! در حالی که می‌شد این فرصت را به یکی از زحمت‌کشان باشگاه یا هواداران داد.

۳- النصر آن تیمی نبود که گفته می‌شد و شاید برای همین در رده ششم لیگ عربستان قرار دارد، البته غول عربستان (الهلال) را در همین هفته اول نوبهار ازبکستان متوقف کرد! پس شکست آن نه دور از دسترس بود و نه قدرت ماورایی نیاز داشت. البته نبود تماشاگر در این بازی کاملا به نفع سعودی‌ها شد. تصور کنید اگر ۴۰ هزار هوادار در ورزشگاه بودند، قطعا جو و اتمسفر بازی تفاوت زیادی پیدا می‌کرد، البته اینکه چرا نماینده ایران محروم بود، باز هم به اشتباه خودشان در گذشته مربوط می‌شود.

۴- زمین چمن ورزشگاه به یکی از توجیهات باخت پرسپولیس بدل شده است، در حالی که آن که از این زمین به دلیل آشنایی کامل با شرایط آن سود می‌برد پرسپولیس بود و آن که متضرر می‌شد النصری بود که بازیکنانش عادت به بازی در آن نداشتند، البته نباید از یاد ببریم که کارت اول سرلک به علت لیز خوردن بود و دقیقه ۵ مهدی ترابی بهترین بازیکن پرسپولیس پایش در همین چمن بد پیچ خورد و بیرون رفت اما اگر چمن مناسب بود باید قبول کنیم ستاره‌های جهانی حریف نمایش مطلوب‌تری ارائه می‌دادند.

جهانبخش ثابت کرد جایش روی نیمکت نیست

بازیکن ایرانی فاینورد نخستین گلش را در تاریخ لیگ قهرمانان اروپا به ثمر رساند. فاینورد روتردام در نخستین دیدارش در دور گروهی لیگ قهرمانان اروپا با ۲ گل تیم ۹ نفره سلتیک‌گلاسکو را از پیش رو برداشت. علیرضا جهانبخش زننده گل دوم تیمش در این دیدار بود. جهانبخش به عنوان بازیکن تعویضی تفاوت را رقم زد اما پیش از ورود به بازی ایگور پایشائو را دلداری داد چون این بازیکن دقایقی قبل یک ضربه پنالتی را از دست داده بود.

بررسی شکست پرسپولیس در شبی که هیچ چیز به نفع نماینده کشورمان نبود

گل به خودی

باربد بهراد: حتی در طرفداران دیگر تیم‌های ایرانی که با باخت‌های پرسپولیس در هر مصافی چه داخلی و چه خارجی خوشحال می‌شوند، همیشه ته دل‌شان یک حس میهن‌دوستی در تقابل با نمایندگان سعودی وجود دارد. شاید از این رو بخش زیادی از مردم ما خواهان موفقیت پرسپولیس برابر النصر سعودی بودند اما متاسفانه در دیداری که گویا قرمزها از پیش بازنده بودند، هیچ چیزی به نفع آنها پیش نرفت؛ از نبود تماشاگر که به خاطر اشتباه یک خبرنگار در دوره‌های گذشته بود که در پیج رسمی باشگاه، علیه مردم هند، جملات ناپسندی را نوشته بود تا وضعیت چمن و نوع فیلمبرداری و دیگر مواردی که همه توی ذوق میلیون‌ها ایرانی زد... اما در ابتدا بیاییم از روزنه فنی به این مصاف بپردازیم. پرسپولیس ۲ بر صفر از النصر شکست خورد. نه مانه، نه رونالدو و نه بروزوویچ، هیچ‌کدام گل نزدند اما هر سه در ۲ گل به ثمر رسیده حریف کاملا نقش داشتند. تفاوت سطح پرسپولیس و النصر فاحش بود و این نتیجه تنها به اتفاقات ۹۰ دقیقه و وجود کریستیانو رونالدو در زمین خلاصه نمی‌شود. پرسپولیس در شبی که هرگز در قامت یک مدعی کسب موفقیت در لیگ قهرمانان آسیا بازی نکرد، با ۲ گل در خانه مقابل النصر مغلوب شد و البته احتمالا خوش شانس بود که با شکست سنگین‌تری زمین را ترک نکرد. تفاوت در سطح بازی و کیفیت بازیکنان ۲ تیم آنقدر محرز بود که در همان ۲۰ دقیقه ابتدایی نیز کسی امیدی به کسب پیروزی توسط تیم میزبان نداشت و البته دلایل زیادی وجود دارد که فاتح سه‌گانه چند ماه پیش فوتبال ایران، این‌گونه حریفی دست و پا بسته مقابل النصر عربستان بود. نبود ترکیبی در سطح لیگ قهرمانان آسیا، ورزشگاه و چمنی شبیه دهه ۷۰ فوتبال ایران، غیبت هواداران به عنوان یکی از محرک‌های مهم کسب موفقیت در چنین سطح دشواری، اشتباهات محرز کادر فنی و چند عامل دیگر، از دلایل شکست قابل پیش‌بینی بهترین تیم سال‌های اخیر فوتبال ایران در مقابل نماینده پرستاره عربستان بود؛ نتیجه‌ای که اصلا عجیب نبود و به نظر می‌رسد حتی قبل از شروع مسابقه نیز تردیدی درباره رقم خوردن آن وجود نداشت.

■ بدون مهاجم می‌خواهی تا کجا پیش بروی؟

مدیریت پرسپولیس در ماه‌های اخیر حتی توان خرید یک مهاجم تراز اول را نداشته و به شکل عجیبی مهاجمان متوسطی مانند عیسی آل‌کثیر و مهدی عبدی یا لئاندرو پریرا نیز بدون خرید جانشین از این باشگاه جدا شدند. شهاب زاهدی در این مدت کوتاه حتی در حد یک مهاجم معمولی نیز نشان نداده و معدود موقعیت‌های گلزنی قرمزپوشان در دیدار با النصر نیز با بی‌دقتی این بازیکن از دست رفت. عجیب‌تر اینکه مهاجم خریداری شده جدید حتی مورد تایید کادر فنی نیست! حال چطور تصور می‌کردیم قرار است با چنین اسکوادی در مقابل تیمی به برتری برسیم که حتی از برخی باشگاه‌های حاضر در لیگ قهرمانان اروپای این فصل نیز بیشتر ستاره دارد؟!

■ این چمن لایق فوتبال ما است؟

زمین چمن ورزشگاه آزادی به‌قدری نازل و بی‌کیفیت است که حتی پیش از شروع بازی صدای بازیکنان حریف را درآورده بود و این پرسپولیس بود که بیشتر بابت این نقیصه متضرر شد. مهدی ترابی، بهترین بازیکن چند سال اخیر پرسپولیس، در همان دقایق ابتدایی به همین دلیل مصدوم شد و حتی میلاد سرلک نیز روی همین زمین سر خورد و به شکلی عجیب و غیرحرفه‌ای نخستین اخطار خود را دریافت کرد. یکی از قطب‌های فوتبال آسیا حتی در تامین فضای برگزاری یک مسابقه فوتبال نیز عاجز است؛ چگونه انتظار داریم برابر تیمی مانند النصر به برتری برسیم؟ امید آن می‌رود سرانجام وزارت ورزش با کمک دیگر نهادها ورزشگاه جدید و آبرومندی را برای تهران بسازد. با توجه به هزینه کلان رقبا حالا چاره‌ای نداریم جز رفتن به سمت و سوی نونوار کردن فوتبال‌مان که اگر چنین نشود وای بر ما و وای بر فوتبال و فوتبال‌دوستان‌مان. حتی در مساله فیلمبرداری هم ما نیاز به یک تکنولوژی و تجدید قوای مجدد داریم. کنایه‌های مجری سعودی در پایان این بازی نسبت به چمن و فیلمبرداری می‌تواند هشداری برای ما باشد. قطعا ورزش ایران لایق بهترین‌هاست و نباید به بهانه وضعیت ظالمانه تحریم‌ها و شرایط بد اقتصادی، حواس‌مان از این ویترین پرزرق و برق غافل شود. کاش مدیران بالادستی کمی بیشتر حواس‌شان به غرور ورزشی‌ها و نسل جوان بود. قطعا روزی ما پاسخ آن طعنه‌ها را خواهیم داد و امید می‌رود استارت بازگشت در همین دولت زده شود.

■ سکوی خالی، گل به خودی بزرگ ما بود

به شکل عجیب و غیرمنتظره‌ای شانس میزبانی این دیدار بزرگ و حساس از پرسپولس گرفته شد و حتی معلوم نیست گروهی که مرتکب چنین اشتباه بزرگ و مضحکی شدند، در نهایت مشمول جریمه شدند یا خیر. حضور پرتعداد هواداران در این دیدار قطعا می‌توانست شرایط را از همان دقایق ابتدایی برای النصر دشوار کند و پرسپولیس در شبی که بیشتر از همیشه به حمایت هواداران خود در ورزشگاه آزادی نیاز داشت، به شکل خنده‌داری از این موهبت بزرگ محروم شده و در سکوت استادیوم شاهد نمایش حرفه‌ای بازیکنان حریف بود.

■ اشکال بزرگ کادر فنی قرمزها

سرمربی پرسپولیس یک بار دیگر نشان داد به رغم توانایی بالا، مربی به اصلاح «قبل از مسابقه» است و به ندرت می‌تواند تغییری در جریان بازی ایجاد کند. به نظر می‌رسد با توجه به تلاش النصر برای تصاحب و مالکیت توپ، گزینه‌های بهتری مانند سروش رفیعی، یاسین سلمانی یا حتی امید عالیشاه برای قرار گرفتن در زمین جای مهدی ترابی وجود داشت. پرسپولیس اصلا استراتژی مشخصی برای حملات خود نداشت و معدود فرصت‌های این تیم روی ضربات ایستگاهی به بدترین شکل از دست رفت. البته به نظر می‌رسید این تیم تمرکز خود را برای حفظ دروازه در نیمه اول و حمله به سمت النصر در ۴۵ دقیقه دوم گذاشته بود اما مصدومیت مهدی ترابی و اخراج میلاد سرلک تمام برنامه‌ها را عوض کرد. هر چقدر به نظر می‌رسید کادر فنی النصر بخوبی سبک بازی پرسپولیس را آنالیز کرده و بارها از فضای بزرگ پشت مدافعان کناری این تیم استفاده کرد، در طول ۹۰ دقیقه پرسپولیس اصلا از خط دفاعی به نظر کند و ایستای النصر بهره نبرد و حتی یک بار نیز تلاشی برای نفوذ به قلب خط دفاعی این تیم نکرد. در شرایطی که به نظر می‌رسید حتی تماشای چند بازی النصر نیز ضعف‌های خط دفاعی این تیم را روشن می‌کند، به نظر پرسپولیس از نظر روحی آماده نبود و البته هیچ استراتژی و برنامه‌ای برای نخستین بازی خود در لیگ قهرمانان نداشت و انگار دلخوش به اتفاقات بود.

[تشکر ویژه رونالدو از مردم ایران]

برنده ۵ توپ طلا در صفحه شخصی خود به سفر یک‌ونیم روزه‌اش به ایران و ابراز علاقه مردم کشورمان به این سفر واکنش نشان داد. کریستیانو رونالدو از ظهر دوشنبه که به همراه کاروان تیم فوتبال النصر عربستان وارد ایران شد، مورد استقبال هواداران خود در ایران قرار گرفت. مردم زیادی بودند که خود را به فرودگاه امام خمینی(ره) رساندند تا فوق‌ستاره فوتبال جهان را از نزدیک ببینند. همچنین سیل هواداران رونالدو به سمت هتل محل استقرار اعضای تیم النصر حرکت کرد و آنها مقابل درهای ورودی هتل، به تشویق رونالدو پرداختند. این واکنش مردم کشورمان به ورود رونالدو، مورد توجه کاپیتان النصر هم قرار گرفت. برنده ۵ توپ طلا پس از پیروزی ۲ بر صفر النصر مقابل پرسپولیس در حساب شخصی خود در فضای مجازی نوشت: کسب ۳ امتیاز امروز عالی بود. از هواداران و همه مردم ایران که این سفر را برای ما خاص کردند، به صورت ویژه تشکر می‌کنم. چه استقبال باورنکردنی و گرمی!

کریس رونالدو با خاطره خوش ایران را ترک کرد

ستاره‌ای بدرخشید و ماه مجلس شد

زهره فلاح‌زاده: اگر یک سال پیش می‌گفتند کریستیانو رونالدو به حوزه خلیج فارس و کشور عربستان خواهد آمد، همه با پوزخند از کنارش می‌گذشتیم و با خود می‌گفتیم حتما توهم زده‌اند اما نه‌تنها ستاره ۱۶-۱۵ سال اخیر جهان به این کشور سفر کرد، بلکه نخستین سفر خارج از عربستان و حوزه خلیج فارس را هم تجربه کرد، آن هم کجا؟ وطن ما ایران!

کریس به همراه یارانش روز دوشنبه با استقبال پرشمار هوادارانش وارد ایران شد. هوادارانی که قرار بود به دلیل حفظ امنیت تیم، دورتر بایستند و حتی مسیر فرودگاه تا هتل را به چشم نبینند، حصار را کنار زدند و زودتر از هر مسؤول و خبرنگاری نظاره‌گر ورود ابرستاره سال‌های اخیر فوتبال جهان بودند.

کریس که تنها ۲ بار تجربه رویارویی با تیم ملی کشورمان را در جام‌جهانی داشته طبیعتا چیز زیادی از خلق‌وخوی ایرانیان نمی‌دانست. رونالدو نمی‌دانست که ایرانی‌ها برای دیدن حتی یک لحظه او حاضرند از مسیرهای صعب‌العبور و صخره‌های خطرناک بالا روند؛ مردمی که حتی حاضر بودند سایه او را ببینند و بگویند ما بالاخره کریس رونالدو را دیدیم.

یکی دسته گلی گرفته بود که هیچ‌وقت نتوانست به دست رونالدو برساند و شاهد پژمرده شدن آن بود. دیگری تابلوفرشی با چهره پدر کریس را با خود آورده بود اما او هم گرفتار سیل جمعیت شد و در رسیدن به او ناکام ماند.

جمعیت زیادی به هتل محل اقامت تیم النصر رفته بودند که البته منجر به شکسته شدن در هتل شد تا موج عظیمی از هواداران وارد لابی هتل شوند و صحنه‌هایی شکل بگیرد که زیبنده فرهنگ ایرانی نبود. در اینکه مردم ما به قول کاسترو، سرمربی النصر دیوانه‌وار طرفدار فوتبال هستند شکی نیست اما باید قبول کنیم هنوز نمی‌دانیم با غیرخودی چگونه رفتار کنیم. اما در کنار این اتفاقات، حرکت مدیرعامل پرسپولیس و هدیه فرش چند میلیاردی به کریس رونالدو هم عجیب بود. باشگاه پرسپولیس و رضا درویش باید بدانند رونالدو به دعوت آنها به ایران سفر نکرده که بخواهند چنین هدیه گران‌قیمتی را نرسیده به دست او برسانند و عکس یادگاری بیندازند. رونالدو از تیم رقیب بود و نیازی به این بریز و بپاش نبود. حتی اگر قرار بر این بود هدیه‌ای به او دهند، این کار باید از طرف فدراسیون فوتبال انجام می‌شد. آن هم پس از اتمام بازی! همه این اتفاقات باعث شد یک تلنگر اساسی به همه ما بخورد که زین پس رفتار مناسبی مقابل چنین میهمان‌هایی داشته باشیم. بهتر است خطایی به این پررنگی که در رسانه‌های مختلف جهان دیدیم، دفعات بعد تکرار نشود.

در کنار همه اینها، باید به تمجید از رونالدو پرداخت. لبخند روی لب و عکس‌العملش در مواجهه با هواداران بی‌نظیر بود. رفتار کریس با دیدن پسر بچه‌ای که برای دیدنش گریه کرده بود یا دختر خانمی که با وجود معلولیت نقاش خوبی است و در این سال‌ها توانسته با وجود محدودیت‌ها تصویر او را بکشد، فوق‌العاده بود. رفتار ستودنی و متواضع بودن او باعث شد مورد تمجید همگان قرار بگیرد. رونالدو نشان داد بزرگ‌تر از نامش، انسانیت و مردانگی اوست که باعث شده این همه هوادار برای لحظه‌ای دیدن او خود را به بالای صخره‌ها و تپه‌های بلند برسانند.

از او مهربانی و فروتنی، از ما عشق و علاقه به معنای واقعی دیدیم. همین که او آمد و حالا می‌تواند روبه‌روی دوربین‌ها بنشیند و از کشور ما صحبت کند تا دنیا بداند اینجا نه جهنم ترسناک، بلکه بهشت مهربانی‌هاست، بهترین هدیه به مردم ما است.

مقایسه کارنامه علیرضا دبیر با رسول خادم و یزدانی‌خرم

برتری محض دبیر؛ هم از لحاظ مدال، هم از جنبه سخت‌افزار

گزارش

محمد رشوند: اگرچه آزادکاران ایران نسبت به ۲ سال قبل در جام‌جهانی نتوانستند درخشش همیشگی را داشته باشند اما اهالی کشتی متفق‌القول اعتقاد دارند در دوره ریاست علیرضا دبیر، ورزش اول ما از حیث مدال‌آوری و همچنین سخت‌افزاری پیشرفت شگرفی داشته است. اگر قرار به مقایسه ۳ دوره ریاست مرحوم یزدانی خرم، رسول خادم و علیرضا دبیر باشد، همین حالا دبیر با فاصله معناداری در صدر است اما در ورزش باید علاوه بر مدال و عنوان، به یادگارهای تاریخی یک رئیس فدراسیون توجه کرد. مثال ساده‌اش را می‌شود در فوتبال و در دوره‌ای که آرسن ونگر هدایت توپچی‌های لندنی را به عهده داشت، نظاره کرد. اگرچه ونگر در مقایسه با فرگوسن هرگز کارنامه پرباری نداشت اما نباید فراموش کنیم سیاست‌های باشگاه آرسنال برخلاف آن دوره منچستر، ساخت و فروش ستاره بود تا از قبال آن بتوانند ورزشگاهی بهتر و بزرگ‌تر بسازند. در ورزش بدون سخت‌افزار نمی‌شود به پیشرفت در آینده خوشبین بود. ونگر در دوره خود با فروش ستاره‌هایی که حفظ آنها قطعا منجر به جام‌های پرتعداد برای آرسنال می‌شد، خدمت بزرگ‌تری را به توپچی‌ها کرد و آنها از ورزشگاه هایبری قدیمی پا به ورزشگاه جدید و مدرن خود با نام تجاری «امارات» گذاشتند. بدون شک همان فداکاری‌ها باعث شده امروز آرسنال بر خلاف سال‌های قبل بتواند با درآمد بالاتری، در کورس قهرمانی لیگ جزیره حضور داشته باشد. حالا بازگردیم به فدراسیون کشتی در دوره زمامداری علیرضا دبیر؛ فردی که از حیث ورزشی به قله کشتی یعنی طلای المپیک (۲۰۰۰ سیدنی) رسید. او علاوه بر تحصیلات آکادمی و استادی دانشگاه، در عرصه شورای شهر هم چند دوره فعالیت کرد تا با کارنامه پربار و تجربیاتی گرانقدر، رئیس فدراسیون کشتی شود. کشتی ما نسبت به دیروز چه تفاوتی کرده است؟ این سوالی است که باید بروید و از مدال‌آوران و ملی‌پوشان این رشته بپرسید. یکی دو دهه قبل، وقتی کشتی‌گیری خودش را ۹ ماه در خانه کشتی حبس می‌کرد تا به مدال جهانی برسد، از آن روزها به عنوان بدترین روزهای زندگی‌اش یاد می‌کرد، چرا که اردوی شبانه‌روزی کشتی، هیچ تفاوتی با حضور یک سرباز در پادگان نداشت. با کمترین امکانات رفاهی و تفریحی آنها ۲ ساعت در روز تمرین می‌کردند و غیر از زمان خواب، در اکثر مواقع بیکاری موجب می‌شد روحیه‌شان به مرور تحلیل رود. اما علیرضا دبیر که خود از جنس همین مدال‌آوران است و این زندگی سخت و پادگانی را تجربه کرده است، بعد از ریاست در فدراسیون کشتی، طرح ساخت و گسترش فاز دوم خانه کشتی را پیش گرفت و حالا خانه کشتی ما یکی از مدرن‌ترین و پرامکانات‌ترین اماکن ورزشی ما به حساب می‌آید. دبیر زندگی در اردو آن هم برای ۹ ماه در سال را تجربه کرده و می‌داند اگر روحیه ورزشکار در این مدت به خاطر تکرار مکررات و عدم بازسازی، تخریب شود، با بالاترین آمادگی بدنی هم نمی‌تواند در میادین جهانی موفق شود. کارنامه او از حیث مدال‌آوری کاملا مشخص است و می‌توانید مدال‌های کسب شده فدراسیون او قبل از همین مسابقات اخیر جهانی را ببینید.

اما کار بزرگی که علیرضا دبیر برای کشتی ایران انجام داد و تا دهه‌ها بعد از او برای ورزش اول ما به عنوان میراث نیک باقی می‌ماند، همین ساخت‌وسازهایی است که قطعا هزینه زیادی داشته است. دبیر برای گرفتن حق کشتی از رو در رویی با مدیران مافوق خود هم فرو نگذاشت و باید پذیرفت او را نه با مدال‌ها که هم اینک بیشتر از ۲ رئیس قبل است که با تجهیز خانه کشتی و دیگر ساخت‌وسازها به یاد خواهند آورد. نگاهی به فدراسیون فوتبال و مشکلات بزرگ و کوچک این روزهای این رشته بیندازید تا متوجه شوید ملاک سنجش یک فدراسیون موفق چیست. نه اینکه علیرضا دبیر هیچ نقص و اشتباهی نداشته باشد اما او به عنوان یک قهرمان المپیک، بهتر از قبلی‌ها کمبودهای کشتی را دیده و می‌خواهد علاوه بر مدال و افتخار، از خود میراثی به یادگار بگذارد تا بعدها او را با آن به یاد آورند.

حذف مقدمه، تحریف نتیجه!

نگاه

ادامه از صفحه اول

اساسا کدام مقدمه و بسترسازی منجر به شکل‌گیری این نتیجه فاجعه‌بار در حوزه معیشتی و سیاست خارجی کشورمان شد؟ نسبت این مقدمه و نتیجه در تفکر آقایان روحانی و ظریف چگونه قابل ترسیم است؟

نکته دیگر اینکه آقای روحانی تلویحا نسبت به اینکه ما حتی درباره مساله سوریه نیز (به عنوان مطالبه‌ای فرابرجامی) حاضر به امتیاز دادن به دولت ترامپ جهت بازگشت وی به برجام نشده‌ایم، ابراز نارضایتی کرده است. نوع استدلال آقای روحانی در این باره واقعا جالب توجه است و می‌تواند به الگویی جامع برای توجیه‌گران سیاست خارجی مکانیکی و بدون روح تبدیل شود! ایشان مدعی شده ترامپ از خواسته خود مبنی بر گنجاندن برنامه موشکی ایران در توافق عقب‌نشینی کرده و درباره مذاکرات منطقه‌ای نیز صرفا خواستار توافق با ایران درباره سطح حضور نظامی -امنیتی در سوریه شده است! آیا واقعا رئیس‌جمهور سابق که منتقدان سیاست خارجی دولت خود را مشتی افراد بدون شناسنامه و بی‌سواد می‌دانست، متوجه نیست سوریه نقطه کانونی ما در حوزه سیاست‌گذاری منطقه‌ای محسوب می‌شود؟! آیا توافق مدنظر ترامپ و ایران بر سر سوریه، به خودی خود اسم رمز و مصداق عینی مهار همه‌جانبه منطقه‌ای و تسلیحاتی کشورمان از سوی غرب محسوب نمی‌شد؟ تفکیک مطالبات ترامپ از ایران بر سر سوریه با مطالبات موشکی -منطقه‌ای آمریکا، در بهترین حالت ممکن یک آدرس نادرست با هدف وارونه‌نمایی تلخ‌ترین وقایع حوزه سیاست خارجی کشور در دوران حضور یک دولت غرب‌باور است.